

# خودم سرحد، جانم گرمسیرہ!



«سلام من از پندرباس مصیبت  
 زده به شما پیام میدم و انتقاد  
 دارم، شاید منتشر نکنی  
 ولی سیرجان که از همه شهرهای  
 دیگر نزدیکتر به هرمزگان و  
 ثروت و معدن و پسته و کلی ادعا  
 داره یه همراهی درست و حسابی  
 نکرد. سیرجانیا مجالی برای  
 هیچکس هیچ کاری نمیکنن حتی  
 همدردی!

حتی تسلیت گفتن!  
ولی موقع تعطیلات و تفریح که  
میشه ماییم بنهر کلی خوش  
میگذرونین و شر رو به زباله  
دونی تبدیل میکنن و برمیدارن.  
اما به وقتش کنار ما نبودین؟  
بوشهر، شیراز، رشت و آبادان  
عکس‌هاشون را فرستادم براتون  
همه دارن در حد توافسون برای  
بنده عباسی که شاید چند سالی  
یکبار هم نمیرن شاید اصلا  
ندیدن کمک جمع میکنن. حالا

سیرجان و بندرعباس است. در واقع به خاطر ارتباطات گسترده، سیرجانی‌های زیادی داریم که به نوعی بندری هم هستند، یعنی یا با بندرعباسها و استان هرمزگانها مثل حاجی‌آباد و... وصلت کار شده‌اند. دختر داده‌اند یا عروس هرمزگانی دارند. یا به خاطر مشاغلی مثل رانندگی کامیون و مغازداری و کسب و کار و تجارت، دوستان زیادی در بندرعباس دارند که دلوآپشان شوند.

دیگر گذشت آن روزگاری که گرمسیری و سرحدی به هم تیکه بنزداند و به این میگویند همدلی ملی.

هستند. از جان و دل ناراحتند. همه جا صحبت این ماتم بزرگ است. بخشی از مردم سیرجان در صف انتقال خون میایستند. حشا خیلی از سیرجانیها به خاطر داشتن خانه در بندرعباس و سکونت فصلی در آنجا خود را بندری هم میدانند و بازار زنگ و تماس مردم با دوست و آشنا و در همسایه در بندر و احوالپرسی داغ است.

پیشنهاد کمک و در اختیار گذاشتن واحد مسکونی در بندر برای آسیب دیدگان حادثه نیز از سوی برخی صاحبان سیرجانی این آپارتمانها یا خانها در فضای مجازی دیده شده است که نشان دهنده ی پیوند قلبی عمیق

اقدام دارویی و کمک نقدی هم ارسال شد.

شاید به لحاظ تبلیغاتی آنچنان در بوق و کرنا نکردیم که البته کار نکوهیده و غیر اخلاقی بود.

از ته دل آرزو میکنیم هر چه زودتر گرد غم و اندوه این برای جانشین و مصیبت بزرگ، از خاطر همسایه دوست داشتنی و عزیزمان بندرعباس زوده شود.

بله اینکه سیرجانها همیشه خوشنشین ساحل بندرعباس هستند بارها نقل محافل و سوژهی رسانهها بوده است اما این روزها به عینه میبینیم که مردم سیرجان چقدر ناراحت سانجهی پیش آمده در اسکلهی بزرگ بندر

درست است و با واقعیت میانه‌ای دارد؟

سیرجانی‌ها واقعا از ته دل از این واقعه‌ی تلخ متأثر شده و هم‌درد و غم‌خوار همه‌ی پنهان‌ه‌رم‌زمانی هستند.

ما خودمان را از بندری‌ها جدا ندانسته و نمی‌دانیم چندین گروه اعداگر و آتش‌نشان از شهر ما اعزام شده و فیلم و عکسهای امدادسانی موجود است.

تمامی پیچهای خبری شهر ما مصیبت همسایه‌ی دوست داشتنی را پوشانده و می‌دهند.

برای اهدای خون هم که وظیفه انسانی مان بود با افتخار صف کشیدیم و خون اهدا کردیم

چه اهدای خون؟ چه نقدی چه  
دارویی و درمانی ولی سیرجان...  
اول درگیر دعوای شورا و  
شهرداریون هستین اول به فکر  
آسفالتهای و قطعی برق و ...  
دوسه تا پیام تسلیت دیدم و یه  
مصاحبه نیم بند و اعزام تبلیغاتی  
ماشین آتش نشانی اگر رسانه  
عدالت محوری هستی گلایه  
بندری‌ها را به گوش همشهرداریات  
برسان.»

این پیام یک هموطن هرمزگانی  
بود که به خاطر شغلش به طور  
فصلی ساکن سیرجان هم هست.  
رعایت امانت داری کردیم و پیام  
هم وطن بندر عباسی را منتشر  
کردیم اما این گلایه تا چه حد